

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هفتاد و چهارم، ۱۲ بهمن ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثة (بورس)/قرارداد اختیار معامله /مشروعیت قراردادهای اختیار معامله و ارزشهای دیجیتال

### 1- حدیث اخلاقی: جریان داشتن پرونده انسان بعد از مرگ (بیانات به مناسبت فرارسیدن ایام الله دهه فجر)

حدیث با میمنت و با معرفت امروز، در بحار است؛ نبی معظم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: عِلْمٌ يَنْتَفَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٌ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ» [1].»

#### 1-1-1، دنیا، مزرعه آخرت

انسان، مسافر آخرت است؛ ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾؛ [2] و عوالم، یکی پس از دیگری برای او طلوع می کند؛ اولین عالم، دنیا است؛ چون نزدیکترین عالم به اوست، آن را دنیا می گویند؛ یا به خاطر اینکه در عین حالی که دنی و پست است؛ اما می تواند مرکبی برای کمالات انسان باشد. ما دنیا را مزرعه و مدرسه برای عالم آخرت می دانیم؛ «الدنيا مزرعة الآخرة»؛ [3] این مزرعه، مدرسه است؛ چرا که کمالات علمی و عملی را برای انسان فراهم می کند؛ چون دنیا پیش نیاز آخرت است، هرچه در اینجا بکارد، در عالم آخرت بر می دارد؛ چنان که در الهی نامه در فرازی عرض کردیم: «الهی انسان آنچه برداشت که همان کاشت؛ و آنچه که کاشت، برداشت»؛

#### 1-1-2، بسته شدن پرونده اعمال انسان، بعد از مرگ

برای همین، این انسان این دنیا را می گذارد و دسترسی او به عمل اوست که عمل او، عین جزاء است؛ و جزاء، عین عمل است؛ ﴿جَزَاءٌ وِفَاقًا﴾ [4]. تفاوت دنیا و آخرت این است که در دنیا، عمل هست و حساب نیست و در آخرت، حساب هست و عمل نیست [5]. حی علی خیر العمل، یعنی باید بهترین عملها را انسان بردارد. اگر انسانی در تعلیم و تعلم بود؛ ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾؛ [6]

#### 1-1-3، مواردی که بعد از مرگ، پرونده انسان بسته نمی شود

اگر انسان، در حال ساختن یک سنت حسنه یا صدقه جاریه بود، یا فرزندان صالحی برای خود به جا گذاشت، این مشمول قانون انقطاع عمل نمی‌شود. می‌شود گفت: برخی انقطاع عمل ندارند؛ عرض ما این است که در عین حالی که انسان در دنیا عملش قطع می‌شود، ولی می‌تواند چیزی باقی بگذارد که عملش را تداوم دهد؛ اگر علمی و عملی نتیجه داشت، نتیجه‌اش سنت جاریه و عمل دائم و مستمر می‌شود. رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «إذا مات الانسان»؛ وقتی انسان بمیرد، «إنقطع عمله»؛ پرونده عمل او، بسته می‌شود؛ عمل عبادی و غیر عبادی‌اش قطع می‌شود؛ مگر اینکه سه تعلق عملی می‌تواند داشته باشد؛ به تعبیری که محضران عرض کردیم، می‌تواند به سه نسبت، استمرار عمل داشته باشد:

1- علمی که بعد از مرگ، به دیگران سود برساند

2- صدقه جاریه

3- فرزند صالحی که با دعای خیرش او را یاد کند؛ انسان می‌تواند بگوید کارم باقی است.

#### 1- 1.4، سعی در پیاده کردن نکات این حدیث شریف در خود

اعزه من، بکوشیم که ما جزو مصدیق این روایت شریف باشیم؛ کارمان را کارستان کنیم؛ اگر کارمان، کارستان شد، دوام دارد؛ کی کارستان می‌شود؟ وقتی عالم شویم؛ وقتی سنت‌های نامطلوب را بشکنیم و صدقات جاریه را پابرجا کنیم؛ وقتی که فرزندان صالحی به جا بگذاریم؛ علما، دو فرزند دارند؛ فرزندان نسبی و فرزندان سببی؛ شاگردان آنها هم، فرزندان آنها هستند؛ مانند: فرزندان آنها.

#### 1- 1.5، حضرت امام رحمه‌الله، مصداق این حدیث شریف

امروز، روز ۱۲ بهمن است. یکی از مصدیق این حدیث شریف، حضرت امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه است؛ شخصیت بزرگواری که با علم نافعش، کارش را تداوم بخشید.

#### 1- 1.6، خاطراتی از آیت‌الله بهاء‌الدینی در مورد امام رحمهما‌الله

خدا، درجات همه آنها را متعالی کند. حضرت استادمان، حضرت حاج آقای بهاء‌الدینی ۶-۷ سال، بین‌الطلوعین محضرشان می‌رسیدیم؛ گفتم: از خاطرات دوران طلبگی‌تان با امام بگوئید که گذشته، چراغ راه آینده است؛ فرمودند: امام در جوانی، یک مَلک بود؛ نماز شب و اخلاص و ذکرش ترک نمی‌شد؛ آقا من یادم نمی‌آمد حتی از رفقایش در خارج شدن از در، مقدم شود؛ سیره عجیبی است؛ عالم، باید متواضع باشد؛ همانند درخت تنومند باردار که وقتی به ثمر می‌نشیند، خضوع و فروتنی او بیشتر می‌شود؛ اگر شاخه‌های علمی ما در عین بارور بودن به

علم و عمل افتاده بود، ان شاء الله می توانیم رفعت الهی را داشته باشیم». من تواضع لله رفعه الله»؛ [7]

### 1-7-1، علم نافع حضرت امام رحمه الله

حضرت امام، علمی آموخت که نفع به مردم رساند؛ کاری کرد که رابطه مجتهدین با مردم و مقلدین که رابطه تقلیدی بود که رساله می خواندند و عمل می کردند، امام این رابطه را بالاتر برد؛ رابطه امام و امت؛ کاری کرد که از دست خیلی ها بر نمی آمد؛

### 1-8-1، انقلاب امام رحمه الله، مصداق صدقه جاریه

صدقه جاریه ای انجام داد؛ ما، انقلاب را مصداق صدقه جاریه ای می دانیم که جریان یافت. نسبت به بهشت داریم که ﴿تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾؛ [8] جریان، از آن نعمت های الهی است. به همه کوردلان و ناشایستگان و همه کسانی که تصور ندارند تا تصدیق داشته باشند، می گوئیم که انقلاب اسلامی، صدقه جاریه است که منقطع نمی شود؛ سنتی را پایه گذاری کردند که ان شاء الله زمینه انقلاب حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف است. در عظمت این انقلاب، بس که انقلاب اسلامی است؛ مانند اسلام که جاودانی است، این انقلاب، جاودانی است. هنر حضرت امام در امامت و معماری حکومت می دانم؛ امام، معمار حکومت اسلامی و ولایت فقیه بود. گاهی مهندس، نقشه می دهد؛ و معمار، هم نقشه می دهد، و هم نقشه را پیاده می کند. هم علم است و هم عمل است. امام رضوان الله علیه، هم صاحب اندیشه قوی بود و هم، صاحب انگیزه صائب بود.

### 1-9-1، مصداق ولد صالح امام رحمه الله

#### 1،9-1.9.1، شهدا

«أو ولد صالح يدعو له»؛ همه شهدا، فرزندان امام بودند؛ این قدر شهدایی که مداد علما را با خونشان زنده کردند؛ که به قول امام، خون بر شمشیر پیروز است.

#### 1،9-1.9.2، فرزندان ایشان

مرحوم سید احمد آقا و آقا سید مصطفی فرزندان امام بودند که بماند، شهدا فرزندان خالص امام بودند.

#### 1،9-1.9.3، مقام معظم رهبری

من، مقام معظم رهبری دامت برکاته را مصداق فرزند صالح که «یدعو له» است، می دانم؛ ایشان شبانه روزی نیست، الا اینکه به یاد امام راحل است؛ این، بهترین فرزند شایسته است؛ فرزند شایسته سببی و نسبی است؛ ایشان فرزند شایسته نسبی است که با سیادت و علم و فقاہتش، بستر را برای ادامه دعوت امام رضوان الله علیه آماده کرد. من، حضرت امام را مصداق این فرمایش رسول مکرم صلی الله علیه و آله می دانم. روحش به ملکوت اعلی پیوست؛ دنیای او قطع شد، ولی کار او به خاطر برنامه ریزی قطع نشد؛ علمش و انقلابش و فرزند صالحش، ولی و فی حقی، این علمدار شایسته که مانند علمدار کربلا با یک دست، علمداری می کند و واقعا شایسته است، ولد صالحی است که «یدعو له». آنان که شعارشان این بود که ۴ سالگی انقلاب را نبینند، الآن استخوان هایشان به تعبیر ایشان، پوسیده است.

### 1-10.1، تکلیف ما نسبت به امام رحمه الله و انقلاب

تکلیف ما این است که امام شناس و انقلاب شناس باشیم؛ سنت حسنه را بشناسیم و حمایت کنیم؛ رهبرشناس باشیم و ما هم به دعوت او اهمیت دهیم؛ بدانیم دشمنان هم، تمام هدفشان این است که به انقلاب اسلامی ضربه بزنند؛ و ان شاء الله موفق نمی شوند. سالروز ورود حضرت امام به ایران، مبارک باشد. ان شاء الله ورود ایشان، برای تداوم انقلاب اسلامی به مبارکی باشد. ان شاء الله بتوانیم شمه ای از فقاہت و درایت و ذکاوت حضرت امام را داشته باشیم و ان شاء الله «علم یتنفع به»، صدقه جاریه و ولد صالحی که «یدعو له» است، برای ما هم تحقق یابد. رزقنا الله ایانا و ایاکم.

### 2- خلاصه جلسه گذشته

بحمد الله رب العالمین با نکاتی که دیروز محضرتان عرض کردیم، به این نتیجه رسیدیم که معاملات در بورس، بازاری است جدید که شاید در آینده جدیدتر هم بیاید. چون شارع مقدس را امضا کننده می دانیم، باید دید شارع مقدس نسبت به معاملات جدید، نصاب و حدودی دارد یا خیر؟

### 3- مشروعیت قرارداد اختیار معامله بر اساس انواع تسویه

معامله ای که با سررسید مشخص، اختیار خرید یا فروش داده می شود، فروشنده یا خریدار، حق خرید را خریداری می کند یا می فروشد؛ تعهد می دهد که کالا را در موعد مقرر به او بفروشد؛ این فروش، یا بنا بر تسویه فیزیکی است و یا بنا بر تسویه نقدی است؛ طرف دیگر هم متعهد می شود که پول را به او بدهد؛ باید دید، این صحیح هست یا خیر؟ اگر بنا بر تسویه فیزیکی باشد، شک و شبهه ای در صحت آن نیست؛ ولی اگر بنا بر تسویه نقدی باشد، شما اگر به این

نتیجه رسیدید که بیع و خرید و فروش، مبادله مال بمال است و ارزش و اعتبار است که خرید و فروش می‌شود و پول و کالا، ارزش‌شان به اعتبارشان است که ما همین نظر را داریم، اشکالی ندارد؛

#### 4- مشروعیت بیع موقت در صورت عدم مخالفت با خطوط قرمز شرعی

حتی شاید بیع موقت و غیر موقت هم، صفت زائده‌ای بر بیع می‌شود، نه اینکه ماهیت بیع، دوام باشد. اگر در عصر و زمانه‌ای بیع‌های موقت رواج یافت، باید دید با معیارهای شارع، سازگاری دارد؟ اگر ربوی و غرری نبود و منتهی به جهل نشد و شرط مخالف کتاب الله نداشت، صحیح است.

#### 5- احتمال بیع موقت و مبیع موقت در اختیار معامله و صحت اختیار معامله در هر دو فرض

آیا در اختیار معامله در بورس، اتفاقی که می‌افتد بیع، موقت است یا مبیع، موقت است؟ اگر بیع موقت را صحیح ندانستید، باید بگویید صحیح نیست. ما، بیع موقت را صحیح می‌دانیم؛ چرا که موقت بودن یا دائمی بودن را، صفت زائده می‌دانیم. این را هم به عرف و عقلا می‌دانیم. فرق است بین این که چیزی، بیعش موقت باشد، یا مبیعش. بر فرض که حقی مانند خیار حیوان، قابل خرید و فروش باشد، چون سه روز است، مبیع موقت است؛ در اختیار معامله، آیا مبیع موقت است یا بیع؟

ملاحظه بفرمایید؛ چندین ماده قراردادهای بورس در اختیار معامله که در سال ۹۵ و سال ۹۷ تصویب شده و حتی برخی بورس‌های جهانی را دیدم؛ ملاحظه کردم هم با بیع موقت می‌خورد هم با مبیع موقت؛ با این تفاوت که در برخی تسویه آمده است و در برخی، نیامده است. چه به مبنای مبیع موقت که قطعا صحیح است، و چه به مبنای بیع موقت که به نظر برخی صحیح نیست؛ به نظر ما، درست است.

#### 6- عرف و سیره، منبع تشخیص دوام و توقیت بیع

عرف و سیره، دوام و توقیت را مشخص می‌کند؛ چه اشکالی دارد که اگر روزی معامله‌ای در عرف عقلایی رواج یافت و منع شرعی هم نداشت و مخالفت شارع هم به دست ما نرسید و بیان نشد، ما بگوییم من له الحق و من علیه الحق می‌توانند این حق‌شان را مبادله داشته باشند؛ چون حق هم همانند عین، مبیع واقع می‌شود؛ انتساب‌شان را می‌توانند خرید و فروش کنند.

#### 7- ارزش و مالیت داشتن عرفی و عقلایی، مبنای مشروعیت اختیار معامله

عرض ما در اختیار معامله این است که با توجه به تعبیرهایی که در بیان اختیار معامله دارند، اشکالی ندارد و معاملات جدید را هم جزو معاملاتی می‌دانیم که اگر در آن اعتبار و ارزش بود، چه کالا و چه پول، قابل خرید و فروش است. مبنای ما آن است که دارایی، قابل خرید و فروش است؛ چه پول، چه کالا، چه عین، چه حق و چه منفعت و چه امتیاز، بهترین دلیل این است که در عرف عقلا برای اینها، اهمیت قائل است؛ و شارع هم، خارج از عقلا نیست.

#### 8-وابستگی احکام به موضوعات در معاملات جدید

معاملات، هر روز در حال نو شدن است. کار فقیه، مسأله‌یابی و مسأله‌شناسی با توجه به ارتباط حکم و موضوع است؛ مسأله‌شناسی در حکم و حرمت و حلیت، اثر خاصی دارد؛ تغییر و تغیر را به موضوعات می‌دانیم، نه احکام؛ احکام شارع این است که بیع ربوی و بیع غرری، حرام و غیر اینها، حلال است و «حلال محمد حلال إلى يوم القيامة و حرامه حرام إلى يوم القيامة»؛ [9] ولی موضوعات، متغیر است و به همین تبع احکامش، متغیر خواهد بود.

#### 9-وابستگی مشروعیت ارزشهای دیجیتال، به تأیید عرف و عدم ردع شارع

در ارزشهای دیجیتال باید دید این ملاک، هست یا خیر؟ اگر مخالفتی از شارع نبود و عرف عقلا تأیید کرد، گرچه ارزش متمرکز نیست و برخی وقت‌ها، بعضی جهاتش مشخص نباشد، ولی اگر با همین عدم تشخیص، عقلا برای آن ارزش قائل شدند، آیا مشروعیت دارد؟ اگر بتوانیم به لحاظ عقلا، تصویب و تأییدی بگیریم، اینها هم اشکالی ندارند.

سوال کردند و باید جواب دهیم که مزرعه‌های این ارزشهای دیجیتال چه می‌شود؟ ارزشهای دیجیتالی، مانند سکه‌ای می‌ماند که مبادله می‌شود؛ ولی شاید سکه‌های جدید باشد. اعتبار را به دارایی می‌دانیم، چه نقد و چه کالا، یا امر دیگر؛ هرچه در این معیار بگنجد، مشروعیت دارد.

#### 10-نتیجه

معاملات روز به روز، نو و کهنه می‌شود. برخی معاملات، در بورس می‌آید؛ بورس اصطلاحی و عرفی؛ اختیار معامله هم، همین است؛ در تسویه فیزیکی، شکی در حلیت آن نیست؛ در تسویه نقدی هم، صحیح است. در اطلاقات بورسی‌ها توضیح داده نشده که بیع، موقت است یا مبیع موقت است؟ ابهام دارد؛ چه بیع موقت و چه مبیع موقت، هر دوی اینها، صحیح است؛ روایات و کلمات را هم خواندیم.

---

[1]بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۲، ص ۲۳.

[2] انشقاق/سوره ٨٤، آيه ٦.

[3] ميزان الحكمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ٢، ص ٨٩٠.

[4] نبأ/سوره ٧٨، آيه ٢٦.

[5] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٣٨، خطبه ٤٢.

[6] بقره/سوره ٢، آيه ٣١.

[7] ميزان الحكمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ١٣، ص ٢٢٢.

[8] بروج/سوره ٨٥، آيه ١١.

[9] بصائر الدرجات- ط مؤسسة الاعلمي، الصفار القمي، محمد بن الحسن، ج ١، ص ٥٠٣.